آسیا
۶
دوشنبه
۱۲ دی‌ماه
۱۳۸۴
۲ ژانویه ۲۰۰۶
شماره ۲۲۷+(۴۱۹+۱۰۹)

آیین شهریاری
بابک بهی
Aeen@asianews.ir

ناشناس «آیین شهریاری»

رسم است که در آغاز هر بخش از کتاب یا نوشته‌ای ارزشمند، جمله‌ای کوتاه از فرد اندیشمندی که مورد قبول نویسنده کتاب یا نوشته است می‌آورند.

هدف زیبایی، دل‌نشینی و تایید گفتارهایی است که در ادامه توسط نویسنده کتاب یا نوشته آورده می‌شود.

کار، کار پسندیده و خردمندانه‌ای است.

در آغاز فصل سوم کتاب Marketing Management که مدت‌ها است نویسنده به جای مدیریت بازاریابی به آن مدیریت بازاردانی می‌گوید (از سال ۷۸ تا امروز)، به نقل از نویسنده ناشناسی این گونه نوشته شده بود:

۵ نوع شرکت وجود دارد.

نخست شرکت‌هایی که باعث بروز رویدادها می‌شوند،

دیگر آنان که تصور می‌کنند باعث بروز رویدادها شده‌اند

سوم آنها که نظاره‌گر بروز رویدادها هستند

چهارم آنها که از بروز رویدادها در شگفت می‌مانند.

و سرانجام

آن گروه از شرکت‌هایی که اصلا از بروز رویدادها خبر ندارند.

«ناشناس»

«با حال» خوب!
baahaal@asianews.ir

به درد بخور

در کافه‌ای مشتری لیوان چایش را تا نصفه خورده بود که متوجه شد یک مگس در آن است. مگس را در آورد و کنار زیرسیگاری گذاشت و گارسون را صدا کرد و مگس را نشانش داد. گارسون با عذرخواهی لیوان را برد و لیوان دیگری آورد و گفت قیمت اولی را حساب نخواهد کرد. وقتی گارسون رفت مشتری دیگری که اسکاتلندی بود و او هم نصف لیوان چایش را خورده بود آمد جلو اولی و گفت:

- ببخشین، اون مگستو نو لازم ندارین؟

پند پیرانه

می‌گویند وقتی بوش به رییس جمهوری انتخاب شد، رییس یکی از قبایل بازمانده سرخپوست که با بوش آشنایی داشت این تلگراف تبریک را برایش زد:

- ... ضمناً به عنوان تجربه بهتون توصیه می‌کنم که از پذیرفتن مهاجر خودداری کنید، و گرنه بر سر شما هم همان بلایی خواهد آمد که بر سر ما آمد.

فرمایشات

خیلی از انسان‌ها دنبال این هستند که فرشته باشند و همین امر مانع از این می‌شود که انسان باشند.

کار فردا

تنبلی می‌فرماید:

کاری را که می‌توانی پس فردا انجام دهی به فردا می‌افکن.

مدال

راننده‌ای که در این بحران پارکینگ جایی برای ماشین خود در کنار خیابان پیدا می‌کند نباید از قبض جریمه روی شیشه‌اش ناراحت شود. این قبض در حقیقت مدال لیاقت اوست.

آن بالا؟

فضانورد با آرامش وارد سفینه شد. شمارش معکوس به صفر رسید و موشک در میان آتش و سروصدایی مهیب روانه آسمان شد فضانورد نگاه وحشتزده‌اش به کیلومتر شمار موشک بود؛ ۵۰۰۰ کیلومتر، ۱۰۰۰ کیلومتر، ۲۰۰۰ کیلومتر، ۱۰۰۰۰۰ هزار کیلومتر، ۵۰۰۰۰۰، ۱۰۰۰۰۰۰ و ... عقربه داشت می‌رسید به ۱۰ میلیون که فضانورد از ترس گفت:

- یا عیسی مسیح

صدایی جواب داد:

- کاری داشتی فرزندم؟...

پیشنهاد نو
جواد لگزیان
jl.baran@asianews.ir

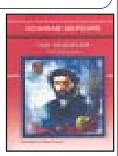

چقدر کنارخیابان؛ توی پارک‌ها و در دقایق یاس ملون روزها مسافر دیده‌ای؟ از کجا می‌شود فهمید چه کسی مسافر است؟

سوال سختی است وقتی که همه ما مسافر باشیم و تراژدی وقتی روی می‌دهد که سفر را از یاد ببریم!

سهراب سپهری از آن مسافرهایی است که سفر یادش نرفته است و می‌تواند همه را به سفر آگاهی ببرد تا آنجا که غبار عادت را از سیر تماشا پاک کنیم و برویم به باغ چند سالگی!

«کوچه باغ فرا رفته تا هیچ
ناودان مزین به گنجشک
آفتاب صریح
خاک خوشنود»

انتشارات زبانکده «مسافر» سهراب سپهری را با ترجمه عباس زاده منتشر کرده است تا انسان‌های بیشتری به سمت خیال دوست بروند.

مسافر از اتوبوس
پیاده شد:
«چه آسمان تمیزی!»
و امتداد خیابان غربت او را برد

The Traveler
Got off the bus:
«what a clear sky!»
And the nostalgia street took him along side.

آسیا
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دفتر مسائلی چاکری‌نیا
تلفن: ۸۸۸۹۲۷۷۰-۱ فاکس: ۸۸۸۹۲۷۸۸
پست الکترونیکی: info@asianews.ir
نشانی اینترنتی: www.asianews.ir
تهران - میدان فاطمی - خیابان کامران - پلاک ۹ - ساختمان آسیا
صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۱۹۳۳
سازمان توزیع و امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۰۰۰-۴
چاپ و لیتوگرافی: آسیا تلفن: ۶۶۶۰۹۹۹۰

همزمان با اکران هشت پا

گفت‌وگو با مهتاب کرامتی، بازیگر

همیشه دغدغه فیلم کوتاه را داشتم

بابک شریف موسوی

Gap@asianews.ir

مهتاب کرامتی، متولد سال ۱۳۴۹ و کارشناس رشته میکروبیولوژی از دانشگاه آزاد اسلامی است. وی پس از آنکه در کلاس‌های کارگاه آزاد بازیگری شرکت کرد، برای ایفای نقش هلن در مجموعه تلویزیونی مردان آنجلس برگزیده شد. او برای بازی در فیلم مرد بارانی کاندیدای دریافت جایزه از هجدهمین جشنواره فیلم فجر شد. مهتاب کرامتی از معدود بازیگرانی است که توانسته در ژانرهای مختلف به خوبی ایفای نقش کند و کارنامه بازیگری وی، مهر تاییدی بر اثبات این مطلب است.

این هنرمند، فعالیت در عرصه سینما را با فیلم، مردی از جنس بلور (سعید سهیلی - ۱۳۷۷) آغاز کرد و بعد بترتیب در فیلم‌های ،مومیایی ۳ (محمدرضا هنرمند - ۱۳۷۸) مرد بارانی (ابوالحسن داودی - ۱۳۷۸) بهشت از آن تو (علیرضا داودنژاد - ۷۹-۱۳۸۰) ملاقات با طوطی (علیرضا داودنژاد - ۱۳۸۱) شاه خاموش (همایون شهنواز - ۱۳۸۲) هشت پا (علیرضا داودنژاد - ۱۳۸۲) رستگاری در هشت و بیست دقیقه (سیروس الوند - ۱۳۸۳) به ایفای نقش پرداخته است. این در حالی است که این هنرمند علاوه بر سینما در مجموعه های تلویزیونی به یاد ماندنی، مردان آنجلس (فرج‌اله سلحشور - ۷۷-۱۳۷۶) مریم مقدس (شهریار بحرانی - ۱۳۷۹) و خاک سرخ (ابراهیم حاتمی‌کیا - ۸۰-۱۳۷۹) نیز حضور داشته است. مهتاب کرامتی در حالی دعوت گروه فرهنگی خبرگزاری «ایرانیوز» را پذیرفت که به دلیل بعضی مسایل خیلی کم تن به مصاحبه می‌دهد، هر چند مطالبی که در ذیل می‌خوانید گفت‌وگو است، نه مصاحبه و همانطور که خودش می گوید شاید با این گفت‌وگو به هزار جا برویم و برگردیم که همینطور هم شد.

از هشت پا شروع کنیم زیرا این فیلم با بازی شما هم اکنون در سینماها به اکران در آمده است و اینکه این فیلم سومین تجربه همکاری شما با علیرضا داوودنژاد است...

هفته گذشته که اکران خصوصی این فیلم بود با دوستم خانم علایی صحبت می‌کردم و گفتم از حس «هشت پا» کاملاً دور هستم زیرا دو سال پیش این فیلم تهیه شده و بعد از آن یک فیلم دیگر با نام «رستگاری در ۸/۲۰ دقیقه» را هم کار کرده‌ایم، به همین دلیل دیدن این فیلم برای خود من هم عجیب بود. حتی با بقیه دوستان که در این فیلم بازی داشتند، صحبت می‌کردم، آنها هم معتقد بودند که دیدن «هشت‌پا» برای آنها هم یک رویا شده بود زیرا احساس می‌کردیم شاید این فیلم به دلیل ممیزی‌ها و دلایل دیگر اکران نشود. به هر حال فیلم را دیدم و آن را دوست دارم زیرا یادآور خاطرات شیرین از یک تجربه ارزشمند برای من بود.

در خصوص ساختار این فیلم معتقدم، کار کردن با داوودنژاد تجربه بسیار خوبی را به همراه داشت.

اصولاً برایم مهم است چه فیلمی را با چه گروه و کارگردانی کار کنم و طبیعتاً عوامل و

> فیلم خوب برای من مهم است ولی مهمتر از آن چه در تئاتر و چه سینما و تلویزیون، این است که کاری متفاوت و جدید ارایه دهم تا بتوانم یاد بگیرم و در واقع خود را محک بزنم. البته غالبا بازیگران ما سعی در ایفای نقش‌های متفاوت دارند اما گاهی اوقات ناچار می‌شوند، مطابق با اصول خود کار نکنند

محیط پشت صحنه برای من خیلی بیشتر اهمیت دارد زیرا فکر می‌کنم پس از آغاز فیلمبرداری در حقیقت برای مدت زمان محدودی تمام عوامل یک خانواده خواهند بود و این کمک می‌کند به ایجاد یک محیط مناسب برای ادامه کار.

در فیلم‌های داوودنژاد این اتفاق می‌افتد. حال نمی‌دانم آیا به دلیل خصوصیات و خلق و خوی ایشان است یا به دلیل اینکه همیشه فامیل هم جزئی از کارهایشان بوده است. همیشه دختر، برادر، پسر و خانم داوودنژاد در طول کار با او همراه هستند و همین موضوع باعث شده که جو بسیار مناسبی برای کار کردن به وجود آمده و همه احساس صمیمیت و راحتی کنند و همین دلایل باعث شده است که من با داوودنژاد در سه فیلم همکاری داشته باشم.

در فیلم «هشت‌پا» شما به همراه ویشکا آسایش دوره فشرده‌ای از یک ورزش رزمی را گذراندید، این تجربه را چگونه دیدید؟

من پروژه‌هایی را دوست داشته و دارم که درکنار آن مجبور شوم با فنون متفاوت و جدید آشنائی پیدا کنم، البته آنقدر مشغله در زندگی ما وجود دارد که عملاً خودمان به خواسته خود نمی توانیم زمان مناسب برای پردازش به هر یک از علایقمان را ایجاد کنیم. برای کار «هشت پا» دوره فشرده ورزش «تایچی» که یک ورزش رزمی چینی است را گذراندیم و در کنار آن نیز سوارکاری هم جزء برنامه ما بود.

به عنوان مثال در مجموعه تلویزیونی «اصحاف کهف» یکی از دلایل انتخاب من سوارکاری بود، هر چند به دلیل بعضی از تغییرات عملی نشد و یا برای تئاتر «هملت» به مدت یکسال در کنار تمرینات بدن و بیان به شمشیر بازی و ژیمناستیک پرداخته و دوره دیدیم. حتی برای فیلم "ملاقات با طوطی" دوره آموزش اسلحه و تیراندازی را گذراندیم به همین دلیل خیلی دوست دارم که این نوع اتفاقات را تجربه کنم.

معتقدم یادگیری هیچ وقت به ضرر انسان نیست به عنوان مثال، شاید نتوانم بگویم در ورزش تایچی مهارت کامل و لازم را دارم و می‌توانم در مسابقات شرکت کنم، ولی می‌توانم رویا را برای بیننده باور پذیر تر کنم.

شاهد هستیم شما در عرصه بازیگری در ژانرهای متفاوت ایفای نقش کرده اید. بیشتر تمایل دارید در کدام یک از ژانرها نقش‌آفرینی کنید؟

اصولاً من مشتاق هستم در کارهای نو و جدید حضور داشته باشم. فیلم خوب برای من مهم است ولی مهمتر از آن چه در تئاتر و چه سینما و تلویزیون، این است که کاری متفاوت و جدید ارایه دهم تا بتوانم یاد بگیرم و در واقع خود را محک بزنم. البته غالبا بازیگران ما سعی در ایفای نقش‌های متفاوت دارند اما گاهی اوقات ناچار می‌شوند، مطابق با اصول خود کار نکنند چرا که در یک مقطع در ژانری موفق ایفای نقش کرده و تا مدت‌ها پیشنهادهای مختلفی که به ایشان می‌شود، کاملاً وابسته به

آن کار است.

البته شما تاکنون نقش‌های مختلف و متفاوتی را تجربه کرده‌اید...

من همیشه معتقدم در مقوله بازیگری و سینما یکی از عواملی که اصلاً نمی‌شود آن را نادیده گرفت، مقوله شانس است که در زمان مناسب اتفاقی مناسب و پیشنهادی مناسب داشته باشید. یعنی باید همه چیز با هم جور در بیاد تا یک پروژه خوب انجام شود و چه بهتر که شما این شانس را داشته باشید که زمانی این پروژه به شما پیشنهاد شود که بیکار باشید. همه چیز باید با هم هماهنگ باشد، به همین دلیل شانس در کارهای من بسیار اهمیت داشته چون به ندرت اتفاق افتاده که من سر کاری باشم و پیشنهاد کاری را داشته باشم و افسوس بخورم که چرا نرفتم. همیشه همه چیز پله به پله جلو رفته و خدا را شکر می‌کنم.

و نتیجه این شد که در مجموعه کارهای شما گزیده کاری کرد خیلی زیادی دارد...

همیشه تمام تلاش خود را کرده‌ام که گزیده انتخاب و کار کنم. البته با توجه به اینکه هدف و فکر من عدم تکرار شدن بوده، ولی باز هم امکان اشتباه در مقاطع مختلف وجود دارد و باز هم شاید نتیجه کار برای ما صد در صد خوشایند نباشد.

البته اینکه در آمد من از مزون لباسم است که کاملاً متفاوت از مقوله سینماست کمک و شانس دیگریست برای من که مجبور به قبول هر پیشنهادی نباشم..

با توجه به اینکه شما علاقه‌مند هستید در عرصه فیلم کوتاه فعالیت کنید چرا در طول این سال‌ها این کار عملی نشده است؟

فقط می‌توانم بگویم به دلیل مشکل سرمایه، کلمه‌ای ساده که به دست آوردنش بسیار مشکل است. همیشه دغدغه تهیه فیلم کوتاه را داشتم زیرا فکر می‌کنم ساخت یک فیلم کوتاه به خصوص مستند می تواند جذاب باشد، همیشه دوست داشتم بتوانم به ایده‌های

> همیشه فعالیت اجتماعی را دوست داشتم و برایم جذاب بوده است. به خصوص مقوله ایدز و کودکان، فکر نمی‌کنم هیچ انسانی بتواند راحت از کنار این مقوله بگذرد زیرا خیلی پیچیده است. علاوه بر این رشته تحصیلی من میکروبیولوژی بوده و همیشه مساله ویروس به خصوص ویروس HIV برایم جذاب بوده است

بکر و فیلمسازان جوان کمک کنم ولی به دلیل عدم بازگشت سرمایه احساس می کنم انجام این کار فعلا عملی نباشد.

درعرصه فیلم کوتاه تمایل دارید تهیه کنید یا کارگردان باشید؟

بیشتر ترجیح می دهم که تهیه کننده باشم

> به دلیل مشکل سرمایه، کلمه ای ساده که به دست آوردنش بسیار مشکل است. همیشه دغدغه تهیه فیلم کوتاه را داشتم زیرا فکر می کنم ساخت یک فیلم کوتاه به خصوص مستند می تواند جذاب باشد، همیشه دوست داشتم بتوانم به ایده‌های بکر و فیلمسازان جوان کمک کنم

و هنوز به فیلمسازی فکر نکرده‌ام شاید در آینده‌ای دورتر اینکار را هم انجام بدهم.

برای همکاری با فیلمسازان جوان محدودیتی نگذاشته‌اید؟

خیر محدودیتی ندارم، ولی دوست دارم بیشتر به فیلمسازان خانم کمک کنم که جدی‌تر گرفته شوند. دوست دارم اگر فیلمسازی پیش من می‌آید، بتوانم نمونه کارش را ببینم و مهمتر از همه به دنبال ذهنیت‌های خوب و نو باشم. برای من نو آوری مهم است به خصوص موسیقی در فیلم کوتاه می تواند نقش مهمی داشته باشد زیرا موسیقی می‌تواند مخاطب را در طول نمایش فیلم نگه دارد.

از فعالیت و همکاری خودتان با سازمان یونیسف بگویید؟

از اول دسامبر یعنی روز جهانی مبارزه با ایدز حرکتی شروع شد و قرار است این حرکت بشر دوستانه به مدت ۵ سال یعنی تا سال ۲۰۱۰ در ایران ادامه داشته باشد.

خوشبختانه در جریان این کار قرار گرفتم و اعلام آمادگی کردم فعلاً خیلی ابتدایی است، در واقع فقط حرکت کردیم و به چه شکل حضور من می تواند مثبت تر باشد تلاش خود را خواهم کرد و مطمئن هستم بقیه دوستان هم به ما خواهند پیوست.

حرکت‌های خوبی انجام شده، ولی هنوز خیلی جا دارد. به همین مناسبت به بم رفتیم و فعالیت‌های خوبی هم در آنجا انجام شد.

همیشه از خودم سوال می‌کردم مقوله ایدز مقوله‌ای است که شاید خیلی راحت و بی‌پروا عنوان نشود، ولی وقتی دیدم در بم خیلی راحت در این باره صحبت می‌شود و جوان‌ها گوش می‌دهند امیدوار شدم که در آینده اتفاقات خوبی بیفتد.

همچنین در تهران روز ابتدای این کمپین را در باشگاه آرارات به صورت یک بازی دوستانه میان دو تیم «هنرمندان و آرارات» به شکل خیلی خوب و مرتب برگزار کردیم.

سازمان یونیسف در ایران چند بخش را انتخاب کرده است که بیشتر مناطق محروم در آذربایجان غربی، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و همچنین شهر زلزله زده «بم» که مدنظر همه است و در ذهن ما می‌ماند، می‌باشند.

با چه رویکردی دوست داشتید به عنوان نماینده یونیسف در این حوزه فعالیت داشته باشید؟

همیشه فعالیت اجتماعی را دوست داشتم و برایم جذاب بوده است. به خصوص مقوله ایدز و کودکان، فکر نمی‌کنم هیچ انسانی بتواند راحت از کنار این مقوله بگذرد زیرا خیلی پیچیده است. علاوه بر این رشته تحصیلی من میکروبیولوژی بوده و همیشه مساله ویروس به خصوص ویروس HIV برایم جذاب بوده است.

برنامه آینده شما در عرصه سینما چیست و اینکه آیا کار جدیدی را آغاز خواهید کرد؟

پیشنهاد خیلی زیاد است البته الان مقوله دیگری هم به سینما و تلویزیون و تئاتر اضافه شده و آن فیلم‌های نود دقیقه تلویزیونی است که خیلی زیاد هم تولید می‌شود، ولی نمی‌دانم چرا این فیلم‌ها برای من جذاب نیست !البته این حس را دارم که تلویزیون این امکان را به فیلمسازان می‌دهد تا فیلم بسازند .شخصا دوست دارم که کار جدیدی انجام بدهم ولی ترجیح می‌دهم با ویدیو کار نکنم.

خیلی از فیلمسازان ما علاقه‌مند هستند این نوع فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای تلویزیونی را کار بکنند فکر می‌کنید دلیلش چیست؟

معتقدم با این نوع فیلمسازی در واقع یک امکان به آنها داده می‌شود. فیلمسازانی که نهایت امکانشان این بوده که فیلم کوتاه کار کنند به این فرصت دست می‌یابند که فیلم‌های تلویزیون را کار کنند و اگر آن فیلم دیده شود و مورد توجه قرار گیرد قطعاً این امکان برای آنها فراهم می‌شود که بتوانند فیلم حرفه‌ای سینمایی هم کار کنند بدون اینکه نگران بازگشت سرمایه باشند. البته باید توجه داشت که بعضی از فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای

> اصولاً برایم مهم است چه فیلمی را با چه گروه و کارگردانی کار کنم و طبیعتاً عوامل و محیط پشت صحنه برای من خیلی بیشتر اهمیت دارد زیرا فکر می‌کنم پس از آغاز فیلمبرداری در حقیقت برای مدت زمان محدودی تمام عوامل یک خانواده خواهند بود و این کمک می‌کند به ایجاد یک محیط مناسب برای ادامه کار

تلویزیون فیلمنامه‌های خیلی خوب دارد.

آخرین کار شما در تلویزیون مجموعه خاک سرخ بود و بعد از تلویزیون فاصله گرفتید، دوست ندارید دوباره در این عرصه حضور داشته باشید؟

خیلی برایم سخت است که بخواهم یک سال دیگر از زندگی و وقت خود را صرف ساخت یک مجموعه تلویزیونی کنم ومخصوصا که بعد از آن تجربه ارزشمند دریک سریال معمولی حضور داشته باشم.

هنوز هم بعد از گذشت چند سال از پخش مجموعه تلویزیونی «خاک سرخ» از آن یاد می‌کنند و به نظر می‌رسد از سریال‌های ماندگار این عرصه باشد؟

بله این سریال خیلی روی مردم تاثیرگذار بوده است، در صورتی که نقش من خیلی جدا از خودم بود و ترس داشتم از اینکه باور پذیر نباشم. البته معتقدم حضور آقای حاتمی‌کیا و پرویز پرستویی در هر مجموعه و فیلم سینمایی می تواند جذاب و پر مخاطب باشد.

پاراگراف
minimal@asianews.ir

داستان فقر

داشت به اولین باری که فقر را حس کرده بود، فکر می‌کرد. یکی از همبازیانش دوچرخه خریده بود.

- پدر! اسماعیل دوچرخه خریده.

پدر جلوی تلویزیون کوچک سیاه و سفید مشغول تماشای فوتبال بود.

- پدر! اسماعیل یک دوچرخه سبز رنگ خوشگل خریده.

پدر نیم خیز شد و با دست راستش کانال تلویزیون را چرخاند و روی برنامه دیگر قرار داد.

- پدر با توام. دوچرخه اسماعیل خیلی قشنگه.

پدر در حالی که حواسش به تلویزیون بود، گفت:

- پسرم! می‌دانی که من خیلی دوستت دارم.

و او همان موقع حس کرده بود که با شرایطی که آنها دارند، دوست داشتن کافی است.

امروز به پسرش گفته بود که خیلی دوستش دارد.

۸۸۹۱۰۳۱۸ آگهی ها WWW.FARA PAYAM.COM ۸۸۷۶۶۹۱۸ شرکت مهندسی نرم افزار فرا پیام ۸۸۹۰۰۵۹ مصاحبه